

نگاه بیرون

کمک مالی منافقین به رهبران راست افراطی اسپانیا

EL PAÍS

●راديو فرانسه فارسی:روزنامه اسپانیایی «ال پائیس» ابعاد جدیدی از حمایت‌های مالی سازمان منافقین را به رهبران حزب «وکس»، حزب راست افراطی اسپانیا، فاش کرده است. بر اساس گفته این روزنامه، سازمان منافقین افزون بر یک میلیون یورو کمک‌های گسترده برای تأسیس و استقرار این حزب راست افراطی، سال گذشته فاش کرد به دو نفر از رهبران این حزب نیز که اکنون نماینده کنگره (پارلمان) اسپانیا هستند، به مدت هشت ماه بین ماه‌های فوریه و اکتبر سال ۲۰۱۴، به‌طور مخفیانه حقوق ماهانه پرداخت کرده است. میزان حقوق پرداختی سازمان مجاهدین به این دو رهبر حزب راست افراطی اسپانیا در این مدت، حدود ۶۵ هزار یورو بوده است.ال پائیس در شماره روز سه‌شنبه ۲۸ ژانویه خود می‌نویسد: وُکس در سال ۲۰۱۳ با حمایت مالی یک میلیون یورویی سازمان مجاهدین خلق به‌طور رسمی در دفاتر وزارت کشور اسپانیا به‌عنوان یک حزب سیاسی در این کشور متولد شد. این حزب هم‌اکنون با ۵۲ کرسی در پارلمان اسپانیا، سومین حزب بزرگ این کشور است. ۱۷ دسامبر ۲۰۱۳، همان روزی که وُکس در میان احزاب سیاسی وزارت کشور اسپانیا نام‌نویسی کرد. هدفاصل دسامبر ۲۰۱۳ آوریل ۲۰۱۴ مبلغ منتقل‌شده به حساب بانکی وُکس افزایش یافت و به حدود یک میلیون یورو رسید. ال پائیس می‌نویسد: سازمان مجاهدین خلق یک ماه پس از تشکیل وُکس، پرداخت حقوق به دو نفر از رهبران حزب وُکس، سانتیاگو آباسکال، دبیرکل حزب و ایوان اسپینوزا دو لوس مانتروس، یکی از رهبران حزب را آغاز کرد. این کمک جدید مجاهدین به حزب با تلاش ویدال کوادراس، نخستین رئیس و پایه‌گذار حزب که با مجاهدین روابط قدیمی دارد، به دو نفر از رهبران وُکس رسیده است.ال پائیس بر اساس گفته دو نفر از مسئولان پیشین این حزب راست افراطی می‌نویسد: حقوق سانتیاگو آباسکال پنج هزار یورو ناخالص و سه هزار و ۵۷۰ یورو خالص تعیین شده بود. سانتیاگو آباسکال بین ماه‌های فوریه و اکتبر ۲۰۱۴ در مجموع ۴۰ هزار یورو از سازمان مجاهدین خلق دریافت کرده است. حقوق ماهانه ایوان اسپینوزا نیز دوهزار و ۳۰۰ یورو خالص و مبلغ ناخالص آن سه هزار یورو بوده است.ال پائیس گزارش می‌دهد وُکس بین دسامبر سال ۲۰۱۳ تا آوریل ۲۰۱۴، ۹۷۱،۹۷۱میلیون و ۸۹۰ هزار یورو دریافت کرده است. این حمایت مالی صرف مخارج کمپین این حزب افراطی اسپانیا برای انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۴ و هزینه‌های آموزشی، اجاره نخستین مقر حزب در خیابان «دیه‌گو دو لون» در شهر مادرید و همچنین میز و صندلی، کامپیوتر و دیگر وسایل مورد نیاز این حزب شده است.بر اساس تحقیقات ماه آوریل گذشته روزنامه اسپانیایی ال پائیس، مجاهدین خلق تنها ۸۰ درصد از مخارج کارزار انتخاباتی وُکس در انتخابات سال ۲۰۱۴ پارلمان اروپا را تأمین کرده است بلکه مخارج روزمره این حزب راست افراطی، نظیر مخارج حفظ و نگهدار مقر این حزب در مادرید، حقوق کارکنان، هزینه درمان سانتیاگو آباسکال، رئیس حزب در آن زمان، خرید مبلمان دفتر، کامپیوترها و… را نیز داده است. بر اساس اطلاع از دفتر روزنامه حزب که ال پائیس به آن دسترسی داشته است، بر مبنای تبادلات بانکی فاش‌شده از سوی ال پائیس می‌توان فهمید که مبلغ ذکرشده نه مستقیم از سوی سازمان مجاهدین خلق، بلکه به واسطه صدها نفر از اعضایش که در سراسر جهان پراکنده‌اند و به کمک ۳۵ تحصیل‌دار به حساب وُکس واریز شده است.به این ترتیب، در تقریبا پنج ماه، این تحصیل‌داران «کمک‌های» صدها فرد ناشناس را کانالیزه و فاکتورهای حزب را پرداخت کرده‌اند.برای وُکس، کمک مالی مجاهدین برای تولد و شکل‌گیری این حزب تعیین‌کننده بوده است؛ چراکه در اسپانیا مجموع بودجه عمومی اختصاص یافته به هر حزب سیاسی، بر اساس میزان آرای به‌دست‌آمده از سوی این حزب در انتخابات قبلی تعیین می‌شود. بر اساس رسانه‌های اروپایی، حزب وُکس (VOX) دیدگاه‌های راست افراطی و ضدیت با اسلام دارد. این حزب از سوی اعضای سابق حزب محافظه‌کار مردم اسپانیا (people's party) تأسیس شد. حزب وُکس به‌عنوان حزبی پوپولیست و راست افراطی شناخته می‌شود. دیدگاه‌های اقتصادی و سیاسی این حزب، منطق با دیدگاه‌های دیگر پوپولیست‌های راست‌گرای اروپایی است؛ یعنی ضدیت با اسلام، مخالف اختلاط فرهنگی و مهاجرت مسلمانان به اسپانیا. رهبران این حزب نگاهی نسبتاً منتقدانه به اتحادیه اروپا دارند و معتقدند ذره‌ای از حقوق حاکمیتی اسپانیا نباید در دست اتحادیه اروپا باشد و سرنوشت کشور باید فقط از طریق مردم اسپانیا تعیین شود. روابط نزدیک ویدال کوادراس، نخستین رئیس و پایه‌گذار حزب وُکس، با سازمان مجاهدین خلق به هنگامی بازمی‌گردد که او در سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۱۴ نماینده پارلمان اروپا بوده و با نخستین هیئت نمایندگی سازمان مجاهدین در بروکسل ملاقات کرده است.ویدال کوادراس به روزنامه ال پائیس گفته وی از رابطه‌اش با مجاهدین خلق به رهبر حزب وُکس، آلباسکال، اطلاع داده و گفته مجاهدین، حزب را تأمین مالی خواهد کرد. ویدال کوادراس تأیید می‌کند مجاهدین که او از آن به‌عنوان شورای ملی مقاومت ایران نام می‌برد، سازماندهی تأمین مالی برای وُکس را بر عهده گرفته و می‌گوید حاضر است در این باره با روزنامه‌نگاران اسپانیایی صحبت کند.

زیگمار گابریل، معاون سابق صدراعظم آلمان در گفت‌وگو با «شرق»:

شقایق لامع زاده:زیگمار گابریل در ایران چهره‌ای ناشناخته نیست. او نخستین مقام بلندپایه غربی بود که پس از توافق هسته‌ای ایران و کشورهای ۵+۱ به ایران سفر کرد و البته اولین مقام دولتی آلمان هم بود که پس از ۱۳ سال به ایران می‌آمد. هم‌راهان گابریل که آن زمان وزیر اقتصاد آلمان بود، هیتتی بزرگ از بازگاتان و صاحبان صنایع آلمان بودند که می‌خواستند از گشایش‌های پس از برجام برای بازگرداندن آلمان به بازار ایران بهره ببرند. هیئت او شامل رؤسای ۱۵ شرکت بزرگ آلمانی بود ولی به دلایلی نامعلوم در رسانه‌های ایرانی و آلمانی چندان به آن پرداخته نشد. او در آن سفر با رئیس‌جمهور و وزیران خارجه و نفت ایران هم دیدار کرد. وزیر خارجه سابق آلمان اندکی پس از ترور سردار قاسم سلیمانی به دستور رئیس‌جمهوری آمریکا یادداشتی ميسوط در روزنامه تاکس اشپیکل زسمان و در آن اهمیت نقش ایران و سردار سلیمانی در مبارزه با داعش در اروپا با تهران بر حضور پررنگ‌تر شرکت‌های نیمه‌بزرگ و کوچک آلمانی در ایران تأکید و خاطرنشان کرد که این قبیل شرکت‌ها به لحاظ عدم فعالیت اقتصادی در آمریکا با مجازات‌های احتمالی واشنگتن روبه‌رو نخواهند شد. پیش از آن در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ وزیر محیط زیست بود و پس از وزارت اقتصاد هم بر کرسی وزارت خارجه تکیه زد. شش سال هم معاون صدراعظم آلمان بود.

زیگمار در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ وزیر اقتصاد و انرژی آلمان بود. در آن زمان با وجود تهدید دولت آمریکا مبنی بر لزوم کاهش مناسبات اقتصادی اروپا با تهران بر حضور پررنگ‌تر شرکت‌های نیمه‌بزرگ و کوچک آلمانی در ایران تأکید و خاطرنشان کرد که این قبیل شرکت‌ها به لحاظ عدم فعالیت اقتصادی در آمریکا با مجازات‌های احتمالی واشنگتن روبه‌رو نخواهند شد. پیش از آن در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۹ وزیر محیط زیست بود و پس از وزارت اقتصاد هم بر کرسی وزارت خارجه تکیه زد. شش سال هم معاون صدراعظم آلمان بود. خاستگاهش در سیاست آلمان، حزب سوسیال‌دموکرات است. گابریل در کارنامه‌اش اظهارنظرهای جنجالی هم دارد. به طور مثال زمانی که از اراضی اشغالی فلسطین بازدید می‌کرد، اسرائیل را رژیم آپارتاید نامید که برایش دردسرساز شد. البته از «تبعیض جنسیتی در ایران» هم انتقاد کرده است.تازترین اظهارنظر جنجالی او در یادداشتی بود که برای روزنامه تاکس اشپیکل نوشت. در این یادداشت، او گفت اتحادیه اروپا در دو سال اخیر به‌خصوص در مواقع جدی مانند یک «بیر کاغذی» عمل کرده است.مقاله او در حقیقت تلاش برای حفظ توافق هسته‌ای با ایران بود و تأکید کرد ما علاقه‌ای نداریم توافق هسته‌ای با ایران را به خطر بیندازیم، چه رسد به اینکه آن را فسخ کنیم. نه امروز و نه در آینده.

دیپلماسی

زیگمار گابریل، معاون سابق صدراعظم آلمان در گفت‌وگو با «شرق»:

برای حفظ برجام، اروپا باید ریسک کند



گابریل معتقد است اروپا نتوانسته با توجه به فرصتی که داشته، آن طور که باید، از ایران حمایت‌های اقتصادی کند. او می‌گوید اروپا ببر کاغذی است چون حتی وقتی اتحادیه اروپا معتقد است تحریم‌های آمریکا علیه ایران نقض قوانین بین‌المللی است، هیچ بانک اروپایی‌ای حتی جرئت نمی‌کند یک حساب برای معاملات تجاری با ایران اختصاص دهد.

این موضوعات دستمایه یک گفت‌وگوی اختصاصی با «زیگمار گابریل» شد.

از گابریل درباره رویکرد آمریکا به توافق هسته‌ای ایران پرسیدم؛ به‌ویژه پس از روی کار آمدن «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا. او گفت: اندکی پس از انتخاب دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده در نوامبر ۲۰۱۶، چندین سیاست‌مدار، روزنامه‌نگار و دانشمند برجسته آلمانی شروع به بحث و گفت‌وگو درباره تأثیر احتمالی تغییرات سیاست آمریکا در قبال ناتو و روسیه بر امنیت کرد.

از آنجایی که اعضای اتحادیه اروپا در مورد بازدارندگی هسته‌ای دیدگاه‌های متنوعی دارند و برخی کشورها مانند فرانسه و انگلیس هم دارنده سلاح‌اند و هم افکار عمومی از داشتن چنین سلاح‌هایی حمایت می‌کنند، کشورهای دیگری نیز مانند لهستان و چک با توجه به سابقه تاریخی‌شان، از بازدارندگی هسته‌ای حمایت می‌کنند. از سوی دیگر در کشورهای آلمان، هلند و دانمارک، جامعه مدنی مخالف داشتن چنین سلاح‌هایی هستند. درحالی‌که دولت‌ها برای دستیابی به توانمندی هسته‌ای تمایل زیادی دارند. در اتریش و ایرلند اما دولت‌ها هم مخالف سرسخت سلاح‌های هسته‌ای‌اند. با وجود چنین تنوعی، همه این کشورها در دو چیز با هم اشتراک نظر دارند:

اول اینکه همه آنها به کاهش سلاح‌های هسته‌ای پایبندند: در پژوهش

نگه

بررسی ترور سردار سلیمانی از منظر رابطه ایران و آمریکا

از تعامل دیپلماتیک تا تنازع امنیتی

سید محمدهادی موسوی

افزایش مزاحات قومی و قبیله‌ای و تهدید به کشاندن درگیری‌ها به داخل مرزهای ایران، از جمله این عوامل بودند.با این حال، فشار حداکثری ایالات متحده آمریکا نتوانست تنش آفرینی منطقه‌ای ایران را کاهش دهد. این تلاش‌ها، با ساقط‌کردن پهپاد گلوبال هایک وارد سطح جدیدی شد. در طول سال‌ها، هیچ کشوری قدرت مواجهه مستقیم نظامی با آمریکا در منطقه را نداشت اما ایران این کار را با قدرت انجام داد. شوک ناشی از این اقدام در کشورهای منطقه‌ای، بیش از آمریکا بود. کشورهایمان مانند امارات و عربستان که تاکنون خود را در پناه سلاح‌های آمریکایی می‌دانستند، در محاسبات خود تجدید نظر کردند. اتفاق مهم دیگری که ورق را برگرداند، حمله به فرودگاه دویی و تأسیسات نفتی آرامکو ارسوزی یمن بود. گرچه شواهدی از دخالت مستقیم ایران در این دو حمله وجود نداشت، اما دقت و قدرت این حملات، تمام رشته‌های آمریکا برای کنترل قدرت منطقه‌ای ایران را پنبه کرد. ایران با این اقدامات سطح جدیدی از قدرت سخت و منطقه‌ای خود را به رخ کشید و همین، ضربه اعتماد کشورهای منطقه به ایالات متحده را به طرز بی‌سابقه‌ای کاهش داد. رفت‌وآمدهای ظرف به کشورهای همسایه و ارائه «طرح صلح هرمز» به‌منظور تنش‌زدایی منطقه‌ای، ضربه دیگری به تلاش‌های آمریکا برای محدودکردن فعالیت‌های منطقه‌ای ایران بود.

دری این اقدامات، کشورهای منطقه نیز تغییراتی در سیاست خود در قبال ایران اعمال کردند. امارات

حاضر نشان داده شده که تنها سه کشور (بریتانیا، فرانسه و لهستان) هستند که در مورد خلع سلاح هسته‌ای ملاحظاتی دارند. درعین‌حال تمام این کشورها عضو ناتو هستند که طبق ماده ۵ آن تحت چتر هسته‌ای اعضای دارنده سلاح‌های هسته‌ای قرار می‌گیرند.

دوم اینکه داشتن سلاح‌های هسته‌ای نزد افکار عمومی این کشورها از اولویت چندی برخوردار نیست.

در همین راستا، گابریل خاطرنشان کرد که ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی خود درباره مشروط‌بودن تعهد ایالات متحده نسبت به امنیت اروپا سخنانی گفته بود اما این بحث در آلمان بر اعتبار تمدید بازدارندگی هسته‌ای ایالات متحده متمرکز و این مسئله مطرح شد که آیا آلمان باید در صورت عقب‌نشینی آمریکا از ضمانت‌های امنیتی خود گزینه‌های دیگری را بررسی کند یا خیر.

زیگمار درباره رویکرد آلمان به این مباحث توضیح داد: این بحث اواخر نوامبر ۲۰۱۶ میلادی با انتشار یک سرمقاله در روزنامه محافظه‌کار و برجسته فرانکفورتر-آلمگنیه در آلمان شدت گرفت و با چندین مصاحبه توسط «رودریش کیس وثر»، نماینده ویژه امور خارجه در کمیته امور خارجه پارلمان آلمان از احزاب اتحاد مسیحی (CDU/CSU) به اوج خود رسید.

گابریل که در زمان تصدی وزارت خارجه و اقتصاد و انرژی و نیز محیط زیست با مسئله انرژی هسته‌ای سروکار زیادی داشته، گفت: شخصیت‌های مهم دیگر آلمان هم گزینه‌های دیگری را مطرح کردند که عبارت بودند از ۱- بازدارندگی هسته‌ای بومی آلمان ۲- بازدارندگی تمام‌اروپایی ۳- حفظ ظرفیت فناوری هسته‌ای آلمان.

معاون سابق صدراعظم آلمان تأکید کرد: البته این احتمالات تنها در شرایط عقب‌نشینی هسته‌ای ایالات متحده آمریکا از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) قابل اجرا خواهد بود. او بعدی می‌داند که ترامپ تا این حد پیش برود، گابریل گفت: اکثر کارشناسان و تحلیلگران هر سه گزینه را به دلایل سیاسی، حقوقی یا فنی رد کرده‌اند و در غیر این صورت کل گفتمان را به‌عنوان «بحث فانتوم» نفی کرده‌اند.

به هر روی باید به این نکته اذعان کرد که بازدارندگی هسته‌ای یکی از دغدغه‌های این روز‌های آلمان است. ژرمن‌ها در چارچوب بازدارندگی هسته‌ای ناتو، ۲۰ بمب هسته‌ای آمریکا را نگه داشته‌اند. حزب‌های سبز و چپ آلمان خواستار خروج آن هستند ولی هایکو ماس وزیر خارجه آلمان با این پیشنهاد مخالفت کرده و گفته است: انتقال سلاح هسته‌ای از یک کشور به کشور دیگر فایده‌ای ندارد، اگر لازم است که این نوع سلاح‌ها محو شوند، باید از تمامی مکان‌ها محو شوند.

کوتاه از دیپلماسی

شمار نظامیان آمریکایی آسیب‌دیده در حمله موشکی ایران به ۶۴ نفر رسید

●بی‌بی‌سی فارسی: رئیس‌جمهوری آمریکا با اعلام اینکه تعداد نظامیان آمریکایی که در حمله به پایگاه الاسد عراق آسیب مغزی دیده‌اند به ۶۴ نفر رسیده است، گفت به وضعیت سلامت افراد ارتش توجه کامل دارد.در حمله موشکی ایران به این پایگاه که به تلاقی ترور قاسم سلیمانی انجام شد، خسارات مالی به پایگاه وارد شد، اما گزارش‌ی از تلفات جانی مخابره نشد.
باین‌حال، چند روز پس از آن، منابع نظامی آمریکا گفتند شماری از نظامیان مستقر در این پایگاه از ناراحتی مغزی شکایت داشته‌اند و برای معاینه به مراکز درمانی اعزام شده‌اند. تاکنون ۳۹ نفر از افرادی که در حمله معاینه اعزام شده بودند، پس از معاینه به خدمت بازگشته‌اند. هفته گذشته آقای ترامپ گزارش مشکلات جسمی این افراد را کم‌اهمیت توصیف کرد و گفت آسیب جدی به کسی وارد نشده است که با انتقاد حزب دموکرات -حزب مخالف رئیس‌جمهوری- مواجه شد.روز گذشته مارک اسپر، وزیر دفاع ایالات متحده، گفت: فرصتی برای گفت‌وگو با رئیس‌جمهوری داشتم که بسیار نگران وضعیت سلامت تمام نفرات ارتش به‌ویژه کسانی است که در عراق خدمت کرده‌اند و کملا در جریان آسیبی که به آنان وارد شده، قرار دارد.ژنرال مارک مابلی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، گفته است کسانی که از عارضه آسیب مغزی شکایت داشتند، تحت معاینه قرار گرفته و آسیب آنان جزئی تشخیص داده شده است. او درعین‌حال گفته است این افراد همچنان زیر نظر قرار خواهند داشت و این امکان وجود دارد که وضعیشان تغییر کند که اطلاع‌رسانی خواهد شد.هفته گذشته حزب دموکرات گفت رئیس‌جمهوری درصدد است آسیب ناشی از این عملیات را کم‌اهمیت جلوه دهد، اما مقامات ارتش آمریکا گفته‌اند هیچ تلاشی برای کم‌اهمیت جلوه‌دادن آسیب‌های شامل سرگیجه انجام نشده است.در حالی که از عملکرد وزارت دفاع در رسیدگی به تبعات بهداشتی حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکایی در عراق نیز انتقاد شده، وزیر دفاع گفته است شکایات از مشکلات مغزی به‌تدریج گزارش شده و در روز بعد از حمله، هیچ‌گونه شکایتی از آسیب مغزی وجود نداشته است.بر اساس آمار منتشرشده از سنوی وزارت دفاع آمریکا، از سال ۲۰۰۰ تاکنون در ۴۰۸ هزار نظامی آمریکایی آثار ناشی از آسیب و ضربه مغزی تشخیص داده شده است.روز گذشته وزیر دفاع آمریکا گفت با مقامات عراقی تماس گرفته است تا موافقت آنان را برای استقرار سیستم دفاع ضدموشکی پاتریوت در مراکز نظامی آمریکا در عراق کسب کند. پیش‌تر به نقل از منابع دفاعی آمریکایی گزارش شده بود آنان در سال‌های حضور در عراق، حمله موشکی ایران به پایگاه‌های خود را محتمل نمی‌دانستند و همین دلیل مایه موضوع حفاظت ضدموشکی از این پایگاه‌ها را لازم ندانسته‌اند.

اینستکس بدون پول

● مجله فوکوس آلمان به‌تازگی در گزارشی درباره آخرین تحولات سازوکار تجاری اینستکس نوشت: هیچ پولی بین ایران و اروپا جریان ندارد، فقط اطلاعات ردوبدل می‌شود. اینستکس برای اینکه بیش از حد آمریکا را ناراحت نکند، خود را به تجارت کالاهای بشردوستانه مانند دارو، تجهیزات پزشکی و مواد غذایی محدود کرده است. با این حال، این کالاه در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار ندارند. در مقابل، ایران بیش از فرش، بسته و سایر محصولات کشاورزی کالاهای غیرتحریمی بیشتری برای عرضه ندارد. پس از یک سال هیچ هیچ معامله‌ای از طریق اینستکس انجام نشده است. مینائیل توکوس، عضو کمیته دیده اتاق بازرگانی آلمان و ایران در هامبورگ، در مصاحبه با دویچه‌پوله اظهار کرد: «ما حتی تا این اندازه پیش رنقیم که وقتی یک شرکت با ما تماس می‌گیرد و برای انجام معامله از طریق اینستکس ابراز علاقه‌مندی می‌کند، شماره تلفنی را به آنجا معرفی کنیم، در عمل، اینستکس هیچ نقشی در تجارت اروپا و ایران بر عهده ندارد. برای ما حداقل از شش ماه پیش تاکنون اینستکس یک پروژه سیاسی بوده است و باید طرف ایرانی را امیدوار می‌کرد.با توجه به تحریم‌های ایالات متحده، بر اساس آمار و ارقام دفتر فدرال، تجارت آلمان و ایران در ۱۱ماهه نخست سال ۲۰۱۹ در مقایسه با سال ۲۰۱۸ تقریباً به نصف کاهش یافته و به حدود ۱۰۵ میلیارد یورو رسیده است. بسیاری از شرکت‌های خصوصی در ترس اینستکس‌ها از انجام تجارت با ایران خودداری می‌کنند.با این حال، افراد نزدیک به اینستکس خوش‌بین هستند و یک نفر از آنها در مصاحبه با دویچه‌وله، اطلاع داده است اولین معامله از طریق اینستکس به‌زودی انجام خواهد شد.شاسا لومان کارشناس مؤسسه SWP آلمان، می‌گوید: در این پروژه از سوی سطوح بالا به اندازه کافی حمایت نند. معتمد هیئت‌های نظارتی و مدیران درگیر در این پروژه در وزارت خارجه آلمان برای مثال، خطر عدم امکان ورود به آمریکا را می‌بینند، چنانچه اقدام مستقیمی درباره اینستکس انجام دهند.ظاهراً اروپایی‌ها بیش از حد به ایرانی‌ها قول داده‌اند زیرا معاملات نفت و گاز در اینستکس برنامه‌ریزی شده است.او آمار دقیقی از تعداد جایی است که ثروت ایران نهفته است. اینستکس در مقایسه با تعهدات ایران در مقیاس مورد نیاز ایران نمی‌تواند تجارت کند.سنگتوی وزارت خارجه آلمان روز ۱۵ ژانویه گفت: به دلیل خروج آمریکا از توافق امکان تحقق وعده‌های اقتصادی‌ای که ایران برای خود در نظر گرفته بود، از سوی ما امکان‌پذیر نیست.